



بی برقی های اخیر...!



برای جذب و پای کار آوردن بدنه جوان و چپگرای این حزب در جریان انتخابات است. آن‌ها جوان هستند، انگیزه دارند، در شبکه‌های اجتماعی فعالند و این مسائل در کمپین‌های انتخاباتی بسیار مهم است. این جناح در جمع‌آوری رای برای بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ بسیار تأثیرگذار بود.

او ادامه داد: «اما در نهایت همه راه‌ها به نتایج ختم می‌شود. دموکرات‌ها آتش‌بس می‌خواهند اما تجربه ۱۰ ماه گذشته و جنگی که جریان دارد، به ما نشان می‌دهد آمریکا نفوذ و قدرت گذشته را بر اسرائیل ندارد. نمی‌تواند آن‌ها را وادار به پایان جنگ کند. در حال حاضر نتایج با احزاب راست افراطی اسرائیل ائتلافی تشکیل داده و فعلاً قصد ادامه جنگ، ترور و تخریب را دارد. خیلی‌ها تماس می‌گیرند و بر اسرائیل و نتایج فشار می‌آورند اما در نهایت باید ببینیم که محاسبات در تل آویو به چه صورت خواهد شد.» قهرمانپور مسئله عدم تمایل اسرائیل به پیروزی کاملاً هریس را تأیید کرد و اظهار داشت: «بعد از مناظره اول میان بایدن و ترامپ، شناسن ترامپ بالا رفت. اسرائیلی‌ها هم خوشحال بودند چون نتایج دوست دارد با ترامپ کار کند. کناره‌گیری بایدن و انتخاب هریس، معادلات را بر هم زد. شاید بایدن را تحمل می‌کردند اما هریس را نه. چون بایدن به نسبت دیگر دموکرات‌ها، نسبت به حمایت از اسرائیل عملکردی استثنائی داشت. اما آتش‌بس را نیز دنبال می‌کرد. ولی نگاه حزب دموکرات به این منازعه کمی تغییر کرده است. اما در سال‌های اخیر، این گرایش در حزب دموکرات تغییر کرده است. اول به خاطر قدرت جناح مترقی حزب دموکرات و همچنین به خاطر تغییراتی که در نسل جوان یهودی ساکن آمریکا اتفاق افتاد. نسل جدید یهودیان آمریکا دیگر مثل نسل معروف به هولوکاست، خیلی طرفدار اسرائیل نیستند بلکه منتقد نیز در میان آنان وجود دارد. مجموع برخی دلایل باعث شد که در نهایت، حزب دموکرات موضع انتقادی‌تری بگیرد.»

این پژوهشگر حوزه بین الملل ادامه داد: نمونه این مسئله توافق برجام است. با اینکه اسرائیل نزدیک به ۲۰ میلیون دلار خرج کرده بود که برجام را به هم بزند، ولی اوپاما ایستاد و این توافق را پیش برد. بعدها معلوم شد که همان زمان بر سر برجام درگیری لفظی شدیدی بین اوپاما و نتانیاهو رخ داد. اسرائیل نمی‌خواهد دوباره فردی با آن مشخصات سر کار بیاید. از بابت هریس نگران هستند چون شناسن برنده شدن او بیشتر از بایدن است و به جناح مترقی حزب دموکرات نزدیکتر است که نگاهی انتقادی نسبت به اسرائیل دارند.»

قهرمانپور در پاسخ به این سوال که چرا گفته می‌شود نتایج تمایل بیشتری به کار با ترامپ دارد، خاطر نشان کرد: «بخشی از این تمایل، ریشه‌های فکری و عقیدتی دارد. جریان مسیحیان موعودگرایان انجیلی (انجیلیست‌ها) به خاطر عقاید اخراج‌زمانی و اینکه معتقدند ظهور مسیح ارتباط مستقیمی با تحولات بیت‌المقدس دارد، طرفدار اسرائیل هستند. موضوع دیگر، ویژگی‌های شخصی ترامپ است. او به لحاظ شخصیت و خصلت‌های فردی، اقتدارگراست و به نتایج کاملاً شباهت دارد. اگر او سر کار بیاید، شرایط برای نتانیاهو و جریان او را تحت‌الشعاع می‌گذارد. ترامپ، بوروکراسی پیچیده آمریکا را دور می‌زند و مسئله سیاست خارجی را شخصی می‌کند. او زمانی که رئیس جمهور بود، دو خط قرمز آمریکا را رد کرد که یکی به رسمیت شناختن حاکمیت تل آویو بر بلندی‌های جولان بود و دیگری انتقال پایتخت از تل آویو به بیت‌المقدس. در محاسبات اسرائیلی‌ها، پیروزی ترامپ به نفع‌شان است و معتقدند که باز هم به نفع آن‌ها کار خواهد کرد.»

▼ دموکرات‌ها به آتش‌بس نیاز دارند

رحمن قهرمانپور، تحلیلگر مسائل آمریکا بخشی از حوزه مطالعاتی خود را به روابط ایالات متحده و اسرائیل اختصاص داده است. او معتقد است که دموکرات‌ها نسبت به تأثیر مسائل سیاست خارجی به خصوص مسئله خاورمیانه و اسرائیل بر انتخابات آمریکا نگران هستند. قهرمانپور به «هم‌مین» گفت: «بایدن و دموکرات‌ها دوست دارند که آتش‌بس در غزه برقرار شود و چند دلیل برای آن دارند: اول اینکه تا حد ممکن از تأثیرگذاری سیاست خارجی بر رقابت‌های انتخاباتی آمریکا بکاهند. دلیل دوم، جذب آرای عرب‌های آمریکا به خصوص در ایالت میشیگان است. اعراب آمریکا اعلام کردند که در این انتخابات بی‌طرف هستند و حزب دموکرات تلاش می‌کند که حداقل بعد از انصراف بایدن بتواند آرای آن‌ها را به دست بیاورد. در نظام انتخاباتی الکتروال آرای ۱۰ تا ۱۲ هزار رای اهمیت دارد، چه برسد به ۱۰۰ رای. این آرای می‌تواند سرنوشت یک ایالت را تغییر دهد و آن را به دموکرات‌ها یا جمهوری خواهان تقدیم کند. سومین دلیل تلاش دموکرات‌ها



مشکلات به استخوان زندگی شان دست به مهاجرت زده و سختی‌های آن را هم به جان خریدند.

▼ حواس مدیران کشور به علل مهاجرت نیست

فاطمه موسوی، عضو هیئت مدیره گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی درباره مهاجرت معکوس به ایران و الزامات آن به هم‌مین می‌گوید: «ما در حالی رتبه نخست مهاجرت را به خود اختصاص داده‌ایم که کشورمان نه به جنگ خارجی دچار است و نه از جنگ داخلی رنج می‌برد و نه اینکه دچار زوال دولت هستیم. اگر چه در همه جهان قشر تحصیل‌کرده و متخصص در جست‌وجوی زندگی بهتر بوده و به دنبال فرصت بهتر زندگی دست به مهاجرت می‌زند اما آنچه که در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از سال ۹۸ شاهد هستیم موج بزرگ مهاجرت است که به خروج ایرانیان می‌ماند. این متخصص مطالعات زنان این نوع مهاجرت را نوعی رفتار اعتراضی می‌داند: «نارضایتی در جوامع ابتدا خود را به شکل اعتراض نشان می‌دهد و مردم خواهان اصلاح می‌شوند ولی اگر به هر دلیل امکانی برای اصلاح وجود نداشته و مسیرها بسته شده باشد شاهد خروج خواهیم بود. به عبارت دیگر مهاجرت زیاد و شدید شهروندان یک کشور نشان‌دهنده ناامیدی نسبت به تغییر و بهبود شرایط است.» او معتقد است که امروز شاهد خروج ایرانیان از کشور هستیم به این معنا که هر سال صدها هزار ایرانی کشور را ترک می‌کنند نه فقط نخبگان بلکه بسیاری از افراد عادی ولو به صورت غیرمجاز برای اصلاح وجود نداشته و مسیرها بسته شده باشد شاهد خروج کشورهای پیشرفته‌تر نیستیم بلکه کشورهایی مانند تاجیکستان، ازبکستان و... هم هدف مهاجرت ایرانیان شده‌اند. موسوی می‌گوید که حواس مدیران کشور به علل مهاجرت نیست: «عاجز به کشورهای مقصد و دافعه در داخل کشور زیاد است. یعنی فرد کشوری را به عنوان مقصد انتخاب می‌کند که امکان پیشرفت در آن وجود داشته و به حقوق انسانی و شهروندی او احترام گذاشته می‌شود چنانکه مدتی پیش یک خانم بلوچ وزیر علوم یکی از کشورهای آیدر داخل ایران چنین امکانی برای زنان وجود دارد؟» او راه حل را در ایجاد تغییرات ساختاری، سیاسی و اجتماعی و توجه به توسعه انسانی می‌داند. موضوعی که باعث می‌شود در آینده شاهد تبعیض جنسیتی، قومیتی و... در کشور نباشیم.



▼ ساختار حکمرانی نخبه‌گرای است

بهرام صلواتی، تحلیلگر حوزه مهاجرت هم با اشاره به رفتار دوستانه و سمبلیک کیمیا علیزاده و ناهید کیانی دو تکواندوکار ایرانی به هم‌مین می‌گوید: «حرکت این دو هموطن پیامی را به دولت‌مردان مخابره کرد مبنی بر اینکه جامعه و مخصوصاً نسل جوان را به رسمیت بشناسند و به حرکت‌های طبیعی جامعه رجوع کنند.» او با ابراز خوشحالی از سعی دولت جدید برای یادگیری از چنین حرکت‌هایی ادامه می‌دهد: «در چهار پنج دهه گذشته تقریباً هیچ دولتی نبوده که از روی بازگشت سرمایه‌های مالی، فکری و مخصوصاً انسانی ایرانیان



استهزای دموکراسی در سرزمین بولیوار

پیامدهای حقوقی بین‌المللی انتخابات اخیر ونزوئلا

آرش ملک



پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل

ونزوئلا کشوری است با بیست و هشت میلیون نفر جمعیت که در منطقه آمریکای لاتین واقع شده. این کشور با وجود برخورداری از منابع سرشار نفت و گاز، از رهگذر حکمرانی غیردموکراتیک، فساد و سوءمدیریت با یک بحران اقتصادی شدید مواجه است و با تورم ۱۸۶ درصد دست و پنجه نرم می‌کند. در نتیجه این وضعیت، ۸۵ درصد از شهروندان از مدل حکمرانی رضایت نداشته و به تغییر آن متمایل هستند. روز ۲۸ جولای سال جاری میلادی در ونزوئلا انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. روز ۲۹ جولای، رئیس‌جمهور وقت نیکلاس مادورو اعلام نمود که با کسب ۵۱ درصد از مجموع آراء برنده انتخابات است. در حالی که تا پیش از برگزاری انتخابات و به واسطه نظرسنجی‌های معتبر ۷۳ درصد از آراء در سبد کاندیدای رقیب -اموندو گونزالس- قرار داشت. با اعلام نتایج، شهرهای ونزوئلا به صحنه تجمعات اعتراضی بدل شدند و میان مخالفان مادورو و پلیس ضدشورش درگیری‌هایی پدید آمد. تا اینجا کار، مادورو با چالش اساسی مواجه نبود. لیکن، واکنش‌های سربازان دولت‌ها به نتایج انتخابات ظرف چند روز گذشته تداوم ریاست مادورو را با نوعی بحران مشروعیت مواجه ساخته. سطح واکنش‌ها متفاوت بود. به‌عنوان مثال اسپانیا، آلمان و بریتانیا از ونزوئلا خواستند فرایند برگزاری انتخابات را شفاف‌سازی کنند. ایالات متحده و برزیل به همراه اتحادیه اروپا اعلام نمودند که تا زمان شفاف‌سازی انتخابات، دولت جدید ونزوئلا را به رسمیت نمی‌شناسند. آرژانتین، کلمبیا و مجارستان -در واکنش شدیدتر- این انتخابات را مردود برشمردند و دولت‌های پاناما و پرو نیز علاوه بر نپذیرفتن نتایج انتخابات، روابط دیپلماتیک خود را با ونزوئلا قطع کردند. هر چند ونزوئلا دولتی بر خود را از حاکمیت است و مردود دانستن نتایج انتخابات اثر مستقیمی بر وضعیت مادورو ندارد، لیکن چنین را باور ناپذیری می‌کند. او تأکید می‌کند که چنین کابینه توسط پزشک‌های و واکنش بین‌المللی بی‌سابقه‌ای جایگاه این کشور در جامعه بین‌المللی را شدیداً تضعیف می‌کند. آن هم در شرایطی که ونزوئلا باید به منظور رهایی از وضعیت اقتصادی نامطلوب، توسعه مناسبات بین‌المللی را در دستور کار قرار دهد. برگزاری این انتخابات مناقشه‌برانگیز در حالی صورت گرفت که حقوق بین‌الملل الگوی جامع، مانع و معقول انتخابات آزاد و منصفانه

رایش بینی نموده. «اعلامیه معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه» یک سند بین‌المللی است که به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ توسط اتحادیه بین‌المللی تصویب شد. ماده ۱ از این اعلامیه ادعای می‌دارد دولت صرفاً می‌بایست محصول اراده حقیقی، آزادانه و منصفانه مردم باشد. در ماده ۲ آمده که هر شهروند بالغ بدون تبعیض -از حیاتی در انتخابات برخوردار است و چنانچه شهروندی از رای دادن محروم شود حق تجدیدنظر خواهی وی محفوظ است. ماده ۳ نیز بیان می‌کند همه شهروندان باید در پرتو شرایط مقرر در قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی به طور برابر قادر به نامزدی در انتخابات باشند و حق تأسیس حزب سیاسی، بیان آزادانه دیدگاه‌های سیاسی، برگزاری گردهمایی‌های انتخاباتی در سراسر کشور، دسترسی یکسان به رسانه‌ها و تأمین امنیت جانی و مالی آنها در جریان رقابت انتخاباتی تضمین شود. بند ۱۷ از ماده ۳ نیز تهدید امنیت ملی را تنها استثنای مشروع به منظور تحدید حقوق مزبور می‌داند. در کنار این موارد، نامزدهای انتخابات باید خروجی یک انتخابات آزاد و منصفانه را بپذیرفته و از خشونت پرهیز کنند. این الگو که می‌تواند سنگ بنای قوانین و رویه انتخاباتی همه کشورها باشد صرفاً بر خود را از جایگاه توصیه‌ای است. با این وجود، مفاد آن -حتی پیش از صدور اعلامیه- در اسناد بین‌المللی الزام‌آور وجود داشت و ضمانت اجرا برای آنها در نظر گرفته شده بود. یک نمونه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و مواد ۱ و ۲۵ آن است که به ترتیب، حق تعیین سرنوشت و حق رای در انتخابات را به رسمیت می‌شناسد. علاوه بر این، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) که ونزوئلا عضو آن است نیز در ماده ۲۳ حق مشارکت شهروندان در حکمرانی را پیش‌بینی می‌کند.

در مجموع، به نظر می‌رسد انتخابات اخیر در پرتو واکنش‌های شدید بین‌المللی و در فرض اصرار مادورو بر نتایج ادعایی برای دولت او پیامدهای قضایی بین‌المللی. همچون شکایت در کمیته حقوق بشر و دادخواهی در دیوان آمریکایی حقوق بشر را در پی داشته باشد که در صورت محکومیت در آن رسیدگی‌ها، مشروعیت بین‌المللی نیم‌بند فعلی این دولت بیش از گذشته متزلزل خواهد شد. باید به این مهم توجه کنیم که برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه از الزامات اجتناب‌ناپذیر دموکراسی است و هیچ دولتی نمی‌تواند در قرن بیست و یکم با دور زدن دموکراسی به توسعه پایدار برسد. در نتیجه، شفاف‌سازی قانع‌کننده از خروجی انتخابات ۲۸ جولای می‌تواند نخستین گام در پیمودن مسیر صحیح برای ونزوئلا باشد. این چنین روح سیمن بولیوار نیز بیش از پیش در آرش خواهد بود!